

پیش‌بینی فروپاشی کمونیسم در یک نامه

در سیزدهم دی 1367 اتفاق عجیبی افتاد. امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی هیاتی سه نفره به همراه نامه‌ای خطاب به میخائیل گورباچف به مسکو اعزام کرد و این اقدام تا مدت‌ها زمینه‌ای برای بحث و گفت‌وگو میان کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی بود.



در سیزدهم دی 1367 اتفاق عجیبی افتاد. امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی هیاتی سه نفره به همراه نامه‌ای خطاب به میخائیل گورباچف به مسکو اعزام کرد و این اقدام تا مدت‌ها زمینه‌ای برای بحث و گفت‌وگو میان کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی بود.

شرایط تاریخی زمان صدور نامه امام راحل از چند جهت قابل توجه و بررسی است. این نامه در حالی صادر شد که پنج ماه از زمان پذیرش قطعنامه 598 گذشته بود و بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی در رسانه‌های خود درصدد القای این موضوع بودند که ایران در شرایط ضعف نظامی مجبور به پذیرش قطعنامه شده است. این اتفاق در داخل هم موجبات گمانه‌زنی‌هایی را فراهم آورده بود. پذیرش قطعنامه برای بسیاری دشوار بود. در این اوضاع و احوال بود که امام به نگارش نامه‌ای به صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی اقدام کرد و یک دیپلماسی فعال را به نمایش گذاشت. اقدام صورت گرفته با توجه به محتوای آن به منزله صدور انقلاب که یکی از اهداف جمهوری اسلامی بود، تلقی می‌شد.

شرایط شوروی در زمان صدارت گورباچف و ارسال نامه

پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی شوروی در آن، این کشور به یکی از دو قطب جهانی تبدیل شد و به دلیل ملاحظات رقابتی، اقتصاد شوروی روی مسابقه تسلیحاتی، هسته‌ای و ماهواره‌ای متمرکز شد. همین مساله، عقب‌ماندگی‌های واقعی اقتصادی شوروی را مخفی نگه داشت، ولی بعد از پایان دوره خفقان استالینی، این عقب‌ماندگی بتدریج خود را نمایان کرد. خروشچف با شروع یکسری اصلاحات اقتصادی، درصدد رفع فقر و سرخوردگی‌های آشکار شده برآمد، ولی با پایان دوره رهبری او و شروع دوره رکود برژنفی، این اصلاحات نیز عقیم ماند. با ورود گورباچف به صحنه سیاسی، این ضعف‌ها بیش از پیش خود را آشکار ساخت. بر این اساس، تنها راه رویارویی گورباچف، ادامه همان اصلاحات خروشچف بود. گورباچف برای رسیدن به یک اقتصاد پرکار و تحکیم موقعیت بین‌المللی، پروسترویکا به معنی بازسازی اقتصادی را مطرح کرد. در این صورت، «اصلاحات» شامل استقلال و حتی سود بیشتر برای مدیران مزارع و صنایع می‌شدند. همچنین شامل روی آوردن آرام و تدریجی به نظام قیمت‌ها و بازار بود تا اینها بتوانند بازتاب دقیق واقعیت شوند. این فکر جدید، حتی تعاونی‌های خصوصی را که قبلاً غیرممکن بود، مجاز دانست. مقامات مسکو اعلام کردند نهایتاً نزدیک به 50 درصد بخش خدمات و 40 درصد بخش کشاورزی در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت. سیاست جدید، این اجازه را به مشارکت‌های جدید با شرکت‌های غربی نیز می‌داد.»

اوضاع اجتماعی و سیاسی

شوروی با توجه به وسعت و گوناگونی قومی خود، از فرهنگی غنی برخوردار بود که با وجود سرکوب‌های کمونیستی هنوز به حیات خود ادامه می‌دادند. اگر چه اصلاحات اقتصادی دوره گورباچف، مستقیماً متوجه اوضاع اجتماعی - فرهنگی شوروی نبود، ولی همان‌گونه که ذکر شد، به دلیل احساس لزوم تسهیل اصلاحات اقتصادی به‌وسیله برخی آزادی‌های سیاسی و فرهنگی، شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز در این رهگذر توانست تغییراتی را به خود ببیند. همچنین «اصلاحات اقتصادی و تمرکززدایی اقتصادی، به مقداری عدم تمرکز سیاسی نیاز داشت. احتمالاً حزب به صورت قدرت فائده باقی می‌ماند، ولی محتملاً بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران منشعب می‌گردید و شوروی بیشتر به سوی نظام چندحزبی حرکت می‌کرد.»

افزون بر این، فشارهای خارجی نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبود. حمایت‌های غرب از حقوق بشر و تضمین آن در ازای اعطای امتیازات و تسهیلات تجاری و اقتصادی به شوروی، از جمله این اقدامات از سوی غرب است، ولی شاید مهم‌ترین عامل، شخصیت خود گورباچف است. او که فردی تحصیلکرده و اهل بحث و گفت‌وگو بود، می‌توانست در این فضای باز اندیشه‌های خود را بهتر مطرح کند. فراهم شدن زمینه‌های انتقاد برای مردم در این فضا، به دلیل افزایش مشکلات اجتماعی ناشی از تغییرات ساختارهای اجتماعی، از جمله کاهش رشد جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی و در نتیجه، کاهش نیروی کشاورزی - بویژه در حوزه حمل و نقل و نگهداری - و در کنار آن، مشاهده رفاه مردم در غرب و حتی کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی، باعث آشکار شدن عدم مشروعیت و ناکارآمدی نظام کمونیستی در بین مردم شد.

شرایط خاص این دوره، به قطع امید کامل مردم از آرمان‌های سوسیالیستی، احساس خشنودی نسبت به نزدیکی با غرب و سرانجام و مهم‌تر از همه، به خالی شدن پشتوانه نهادهای نظامی و سیاسی حاکم از نیروی مردمی انجامید، به‌گونه‌ای که در اواخر دوره گورباچف، هیچ نهاد مقتدری که بتواند دوباره حاکمیت استبدادی دوره استالینی را بازگرداند، وجود نداشت و جامعه دچار نوعی ناپیوستگی و بی‌تفاوتی سیاسی شده بود. محدود ماندن مساله اصلاحات به تبادلات نظری قشری میان رهبران سیاسی و روشنفکران عمدتاً لیبرال نیز از جمله علل این ضعف به شمار می‌آمد. در نتیجه، مردم نقش عمده‌ای در این تحولات نداشتند و جنبش اجتماعی خاصی مبتنی بر یک شعور سیاسی فراگیر دیده نمی‌شد، به گونه‌ای که تأثیر مردمی در همان سطح نارضایتی عام - که در نهایت نیز سبب فروپاشی نظام کمونیستی شد - محدود ماند.

در مجموع، شرایط شوروی سابق در آن زمان را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- 1 - اولویت مسائل مادی و اقتصادی در دوره حاکمیت کمونیسم؛
- 2 - شکست توسعه اقتصادی شوروی در رقابت با غرب به دلیل عقب‌ماندگی‌های باقی‌مانده از زمان روسیه تزاری و تحت‌الشعاع قرار گرفتن مسائل پایه‌ای اقتصاد بویژه کشاورزی به دلیل رقابت‌های هسته‌ای و ماهواره‌ای و همچنین سیاست‌های بسته کمونیستی در امر اقتصاد؛
- 3 - شکست روند اصلاحات لیبرالی گورباچف و یلتسین به دلیل ناهمخوانی آن با بافت اقتصادی و فرهنگی مردم و حاکمیت در شوروی؛
- 4 - برخورد ابزارانگاران نسبت به اصلاحات فرهنگی - اجتماعی و غفلت از آن؛
- 5 - افزایش سطح توقعات اجتماعی و حس استقلال‌طلبی و هویت‌های قومی و همچنین آزاد شدن نیروی مذهبی پس از اصلاحات گورباچف که زمینه‌ای در جهت تسریع فروپاشی شوروی بود.
- 6 - سوءاستفاده غرب از مسیر اصلاحات در شوروی به نفع خود و در نتیجه، بدتر شدن وضع داخلی شوروی (نامه امام به گورباچف، فرهاد درویشی سه تلانی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال چهارم / شماره 13 / تابستان 1387)

شرایط ایران در زمان ارسال نامه

در تابستان 67 جمهوری اسلامی ایران با ارسال نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد قطعنامه 598 را پذیرفت. این رخداد در حالی صورت گرفت که تا پیش از این حداقل در محافل رسمی و رسانه‌ای سخنی از پذیرش آتش‌بس نبود و در بعد بین‌المللی هم باوجود محدودیت‌ها و تحریم‌هایی که کشورهای غربی علیه ایران وضع کرده بودند جمهوری اسلامی به عنوان کشوری که همچنان بر استمرار جنگ تا قطعی شدن نتایج آن اصرار دارد، شناخته می‌شد. اعلام پذیرش قطعنامه با واکنش‌های متفاوتی در سطوح داخلی و خارجی مواجه شد و در برخی از محافل خبری، ضعف نظامی و اقتصادی کشورمان به عنوان مهم‌ترین عامل برای قبول قطعنامه 598 عنوان می‌شد. در شرایطی که چند ماه از پذیرش قطعنامه گذشته بود، امام خمینی(ره) در راس هیاتی سه نفری، نامه‌ای را برای صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی ارسال کرد که با روال عادی و عرف جاری دیپلماتیک ارسال چنین نامه‌هایی متفاوت بود. (کتاب کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷ «پایان دفاع، آغاز بازسازی» - دفتر نشر معارف انقلاب)

چگونگی نگارش نامه؟

بعد از انتشار خبر اعزام هیات سه نفره به شوروی و واکنش‌های داخلی و خارجی، رایزنی‌هایی در مورد متن و محتوای نامه مطرح شد. یکی از مباحث مهم این بود که آیا تا پیش از این کسی از محتوای این پیام اطلاع نداشت و امام شخصاً اقدام به نگارش نامه کردند و موضوع را با هیات سه‌نفره در میان گذاشتند یا این‌که از قبل مشورت‌هایی با برخی از افراد صورت گرفته بود.

آیت‌الله جوادی آملی یکی از اعضای گروه سه نفره در گزارشی که بعد از مراجعت از سفر ارائه داده، معتقد است که مضمون نامه کاملاً سری بود و جز او (امام خمینی) احدی از مسئولان گرانقدر جمهوری اسلامی ایران، کسی به آن آگاه نبود. (آوای توحید، عبدالله جوادی آملی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، زمستان 1369، چاپ اینترنتی)

دکتر علی اکبر ولایتی وزیر وقت امور خارجه در این باره نظر دیگری دارد و می‌گوید: امام خمینی(ره) قبل از این‌که نامه تاریخی خود را به آقای گورباچف بنویسند، مشورت‌هایی با وزارت امورخارجه انجام دادند. امام خمینی(ره) در مسائل کلان و مهم کشور اهل مشورت بودند. تصمیم اولیه کار از جانب خود امام خمینی(ره) بود، اما مشورت‌هایی هم انجام شد و من در جریان مشورت‌ها بودم. بالاخره به این تصمیم رسیدند و نامه‌ای خطاب به آقای گورباچف نوشتند. (مصاحبه با دکتر ولایتی، روزنامه جام‌جم)

ناصر نوبری سفیر اسبق ایران در اتحاد جماهیر شوروی در مصاحبه‌ای که با سایت برهان انجام داده، اعلام کرد که از محتوای نامه قبل از ارسال اطلاع داشته است. وی در پاسخ به این پرسش که شما چه زمانی متوجه محتوای پیام امام به گورباچف شدید؟ گفت: من محتوای نامه را قبل از آمدن هیات ایرانی به شوروی می‌دانستم.

او در پاسخ به این پرسش که آیا امام در نوشتن نامه با وزارت خارجه مشورت کردند؟ گفت: امام برای نگارش این پیام با هیچ کس مشورت نکردند. البته بعد از این‌که پیام‌شان را نوشتند، متن آن را به وزارت خارجه دادند و برخی در وزارت خارجه نسبت به این پیام حساسیت‌هایی از خود نشان دادند. آنها معتقد بودند که این پیام ممکن است باعث ایجاد مشکلاتی شود. بنابراین مخالفت‌های سیاسی هم وجود داشت و عده‌ای نگران بودند که همین روابط نیم‌بند موجود میان دو کشور نیز از بین برود. این مخالفت‌ها به گوش امام می‌رسید، ولی ایشان توجهی به آنها نمی‌کردند. (سایت برهان، تاریخ انتشار، 91/10/17)

اعزام هیات سه نفره به مسکو

هیأت اعزامی از طرف امام خمینی(ره) روز سیزدهم دی 1367، تهران را به مقصد مسکو ترک و در روز چهاردهم به تهران برگشت و مدت توقف این سفر تاریخی در مسکو 23 ساعت بود و در فرودگاه بین‌المللی با استقبال نماینده ویژه صدر هیأت رئیسه شوروی و برخی از مسئولان بلند پایه سیاسی و امام جمعه مسکو و نیز با شرکت سفیر وقت ایران در شوروی و چند نفر از اعضای سفارت ایران در مراسم استقبال روبه‌رو شد.

هیأت اعزامی در ساعت 11 روز چهارشنبه 14 دی 1367 در کاخ کرملین با رهبر شوروی دیدار داشت.

وظایف هیأت اعزامی از طرف امام راحل (ره) به شوروی عبارت بود از:

1 - محتوای پیام کاملاً مکتوم باشد و احدی تا حین ابلاغ، پی به محتوای آن نبرد. لذا باوجود این که دستگاه‌های آنها برای کشف این اسرار بسیار قوی است، موفق نشدند که بفهمند مضمون نامه چیست؟ آنها همه مسائل، از قبیل قطعه‌نامه 598، جنگ و صلح و حالت نه جنگ، نه صلح را احتمال داده بودند، به استثنای آنچه مضمون اصلی و اصل این پیام، یعنی «دعوت به اسلام» بود.

2 - رعایت «ادب» که جزو برنامه‌های بین‌المللی اسلام است؛ چراکه اسلام دستور داده که در برخوردها مؤدب باشید، حتی اگر طرف شما یهودی باشد. در آن روز که بدترین دشمن اسلام «یهود» بود، وجود مبارک معصوم (ع) فرمود: حتی با یهودی نیز ظرافت در گفتار، رفتار و نوشتار را که «ادب» نام دارد، رعایت کنید.

3 - مبدا حضور در کاخ کرملین و دیدار با رهبر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، کسی را مرعوب کند؛ چون مضمون این پیام بسیار بلند و فرستنده آن نیز شخصیتی بسیار بزرگ است، لذا باید با صلابت و فولادین برخورد کرد، مبدا کمترین احساس حقارت در اعضای هیأت پیدا شود؛ زیرا نمی‌توان این قول ثقیل و گفتار جدی را به شوخی گرفت.

4 - پیام به آقای گورباچف تسلیم نشود، بلکه جمله به جمله برای او خوانده و ترجمه شود و بعد از پایان قرائت و ترجمه، تسلیم او گردد، تا نگوید در فرصت بعد پیام را مطالعه می‌کنم و اگر احتیاج به توضیح یا استدلال داشت، همانجا توضیح داده شود.

5 - از آنجا که باید پیام کاملاً به اتحاد جماهیر شوروی ابلاغ شده باشد، گذشته از متن فارسی که مرقوم شریف حضرت امام (ره) بود، ترجمه انگلیسی، که زبان رایج دنیاست، در کنار آن تعبیه شد چون این پیام اگرچه برای رهبر شوروی بود، ولی «جهانی» بود و مضمون آن، این بود که ما همه مسلمانان جهان را همانند خود دانسته، خود را در سرنوشت آنها سهیم و شریک می‌دانیم، لذا پیام جهانشمول بود و دنیا زبان انگلیسی را به خوبی می‌فهمد، در کنار متن فارسی، ترجمه انگلیسی نیز در صفحات جداگانه تنظیم و در آن پوشه گذاشته شد که بعد از قرائت پیام به ایشان تسلیم شود. (آوای توحید، آیت‌الله جوادی آملی)

نامه‌ای که در آن به صراحت سقوط و فروپاشی کمونیسم در شوروی پیش‌بینی شد و آینده نشان داد که محتوای آن چقدر مقرون به صحت است.

فتاح غلامی / گروه تاریخ